

سخن سردبیر

چندین دهه است که منابع آب کشور به صورت بی‌رویه و ناپایدار مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. افزایش تعداد دشت‌های ممنوعه در هر سال، ناتوانی نظام تخصیص آب از برداشت برابر ظرفیت منابع آبی و رعایت حد مجاز، کاهش کیفیت و شوری رو به گسترش منابع آبی، عدم رعایت حقوق متقدمان و محیط‌زیست و بروز زمینه‌های مناقشات، از نشانه‌ها یا پیامدهای این وضعیت به شمار می‌آیند. با تغییرات چشمگیر در روال حکمرانی آب از دهه ۱۳۴۰، دست دولت یا حکومت در حل و فصل امور باز و مقدمات بقیه جامعه در مشارکت در امور مختلف محدود شد. در نتیجه، سازوکارهای حکمرانی کشور عمدتاً منحصر شده است به تنظیم رویه‌هایی برای برنامه‌ریزی بخشی در نظام متمرکز دولتی، استفاده از رویه‌های قضایی و به‌کارگیری امکانات اداری. به بیانی دیگر، در مقابله با مشکلات و چالش‌هایی که در این چند دهه بروز پیدا کرده، تدابیر اقتصادی و بازار و توافق، همفکری و مشارکت عموم، سهم ناچیزی داشته است. در این میان برنامه‌های مدیریت اشتغال، رکود و تورم و تأمین سلامت و امنیت غذایی می‌تواند یک‌سویه و در جهت تضعیف سیاست‌های کلان بخش آب و جدی نگرفتن آن‌ها عمل کند. در این نوع سیاست‌ورزی‌ها در حوزه آب، دستگاه‌های مسئول به ناگزیر منفعل عمل می‌کنند و تحت فشار تأمین منافع کوتاه‌مدت و توجه به آرای انتخاباتی و نظایران، به دنبال اجابت درخواست‌های بخش‌های دیگر کشیده می‌شوند، بدون آنکه برای دفاع از مصالح و منافع ملی از نظر رعایت ضوابط توسعه پایدار در حوزه آب قادر باشند به شکلی مناسب، دادوستد یا گفت‌وگورا با پشتیبانی و حمایت اجتماعی سامان داده باشند. بدیهی است که این مهم باید در بهبود ساختار و سازوکارهای حکمرانی مورد توجه کافی واقع شود تا به تدریج، نظام مدیریتی در مسیر پیشگیری از این عارضه، استعداد و آمادگی‌های لازم را برای مقابله با چالش‌های اصلی پیش رو کسب کند.

”

«با تغییرات چشمگیر در روال حکمرانی آب از دهه ۱۳۴۰، دست دولت یا حکومت در حل و فصل امور باز و مقدمات بقیه جامعه در مشارکت در امور مختلف محدود شد. در نتیجه، سازوکارهای حکمرانی کشور عمدتاً منحصر شده است به تنظیم رویه‌هایی برای برنامه‌ریزی بخشی در نظام متمرکز دولتی، استفاده از رویه‌های قضایی و به‌کارگیری امکانات اداری.»

“

